



آنها که می گفتند ای کاش ما هم یتیم بودیم

حکومت علی علیه السلام که حکومت «عدل» بود، وی در عمل برای جهان و اندیشمندان روشن ساخت که در زعامت آن حضرت حتی یک نفر یتیم، خود را بی پناه ندانسته، و با درگذشت پدر مستقیماً تحت نظارت و جانشین به حق انبیاء و اولیاء قرار گرفته، و آن چنان مورد لطف و عنایت مولایش قرار می گیرد، که دیگران در آن عصر آرزوی یتیمی می کردند!

حکومت علی علیه السلام که حکومت «عدل» بود، وی در عمل برای جهان و اندیشمندان روشن ساخت که در زعامت آن حضرت حتی یک نفر یتیم، خود را بی پناه ندانسته، و با درگذشت پدر مستقیماً تحت نظارت و جانشین به حق انبیاء و اولیاء قرار گرفته، و آن چنان مورد لطف و عنایت مولایش قرار می گیرد، که دیگران در آن عصر آرزوی یتیمی می کردند!

171#& ابوالطفیل: می گوید: علی علیه السلام در دوران حکومت خویش افراد مستمند و بی نوا را مورد عنایت قرار می داد، روزی او را مشاهده کردم که بچه های یتیم و بی سرپرست را به دور خود فراخوانده، ناگاه تمام یتیمان را جمع کرده، و سفره مناسبی بازکرد، و 171#& غسل: و سایر نیازمندی ها را دور هم چید، و لقمه های لذیذ و عسلی بر دهان آنان گذاشت، و این منظره آن چنان مؤثر و جالب بود که بعضی اصحابش گفتند:

171#& لوددت انی كنت یتیمًا: .

: ای کاش من هم یتیم بوده، و این چنین مورد الطاف علی قرار می گرفتم. (1)

و در این مورد علی علیه السلام می فرماید:

171#& انا الهادی، انا المهدی، انا ابوالیتامی و المساکین، و زوج الارامل، و انا ملجأ کل ضعیف، و مأمن کل خائف. (2& : (raquo;

: من هادی مردم و هدایت یافته خدایم، من پدر یتیمان و بی چارگانم، من سرپرست زنان بیوه و پناهگاه ضعیفاء و امید و پشتوانه ستمدیدگانم.

شما را به خدا یتیمان خود را فراموش نکنید، دهن های آنان را در انتظار غذا قرار ندهید، مواظب باشید که آنان گرسنه نمانند و حقوقشان با وجود شما تباه نگردد و در مورد یتیمان به پیروان امت اسلامی سفارش می کنند:

171#& بروا ایتامکم، و واسوا فقرائکم، و ازاووا بضعفائکم. (3& : (raquo;

: به یتیمان اجتماع نیکی، و به فقراء خود مواسات، و به گروه ناتوان محبت نمائید.

و در آخرین وصیت هایش که پس از ضربت مسموم 171#& ابن ملجم مرادی: لعنة الله علیه صورت می گرفت فرمودند:

171#& الله الله فی الایتام، فلا تغبوا افواههم و لا یضیعوا بحضرتکم. (4& : (raquo;

: شما را به خدا یتیمان خود را فراموش نکنید، دهن های آنان را در انتظار غذا قرار ندهید، مواظب باشید که آنان گرسنه نمانند و حقوقشان با وجود شما تباه نگردد.

این احادیث حاکی است که امیرالمؤمنین در قول و عمل به فکر یتیمان بود، و جای خالی پدران را بر آنان پر می کرد، و نمی گذاشت هیچ فرزند یتیمی با فقدان والدین خود احساس نیاز و سرپرست نماید! بلکه وضع این گروهها بهتر از دیگران می گردید! تا جایی که مقام و موقعیت اجتماعی آنان در حکومت علوی مورد غبطه و آرزوی سایر مردم قرار می گرفت.

از سوی دیگر علی علیه السلام به سایر مردم نیز سفارش آنان را می فرمود، و یک موقعیت بی نظیر در اجتماع برایشان فراهم می ساخت، و هنگام شهادت نیز این مسئولیت الهی را فراموش ننموده، و نیکی به آنان را برای پیروان خود توصیه فرمودند.

در کنار تنور یتیمان شهداء

در تاریخ زندگی امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است: روزی او زنی را مشاهده کرد که او مشک آبی را به دوش گرفته و با زحمت و مشقت آن را حمل می کند.

حضرت از آن بانو درخواست کرد که ظرف سنگین آب را در اختیار وی قرار دهد... علی علیه السلام مشک را برداشت و از احوال زن پرسش نمود، معلوم شد شوهر وی از سربازان شهید اسلام در رکاب آن حضرت بوده است، و هزینه زندگی فرزندان شهید باعث کار آن زن و آب کشی به خانه دیگران گردیده است!

مولای متقیان آدرس خانه او را گرفته و شب را در تمام ناراحتی به سر برد، و سحرگاه زنبیلی پر از خرما و روغن و آرد و گوشت... را به دوش گرفته، و به خانه مزبور حمل کرد، در طول راه برخی از مؤمنین درخواست کمک کردند، ولی حضرت می فرمود: روز رستاخیز بار مرا چه کسی حمل می کند؟!

علی علیه السلام پس از در زدن و اجازه گرفتن به طور ناشناخته وارد خانه شد، و پیشنهاد فرمود: زن اجازه دهد یا او بچه ها را به بازی گرفته و مشغول کند، و یا به خمیر کردن و نان پختن بپردازد، زن گفت: شما بچه ها را مشغول کنید، من به کار خمیر کردن و پختن نان می پردازم، خدا از تو راضی شود، و بین من و «علی بن ابی طالب« حاکم گردد!! (5)

حضرت علی به فوری مقداری گوشت را پخت و با خرما و غیره بر دهان بچه ها گذاشت، و هر بار لقمه ای را که به آنان می خورانید می فرمود: ای فرزندانم! علی را حلال کنید!!!

چون خمیر آماده پختن گردید زن عرض کرد: ای بنده خدا تنور را روشن کن، علی علیه السلام تنور را روشن نموده، و صورت مبارک خویش را بر روی شعله های آتش می گرفت و می گفت: بچش ای علی! این جزای کسی است که از یتیمان غفلت کند! در این هنگام زن همسایه وارد شد، و دید «علی بن ابی طالب« با بچه های شهید بازی می کند، و آنان را می خنداند، و لقمه های لذیذ بر دهانشان می گذارد، با دیدن وی او را شناخت، و خطاب به زن شهید، داد زد: وای بر تو این «امیرالمؤمنین« است که در خانه تو کار می کند، و بچه هایت را می خنداند... ؟

هم چنانچه فرزندان خود را تربیت می کنید، یتیمان را نیز ادب نمائید، و به طوری که در هنگام نیاز فرزندان خویش را می زنید، از یتیمان نیز غفلت نکنید (چنانچه نیاز باشد می توان متوسل تنبیه مجاز شرعی شد) تا بچه های لوس بار نیابند

زن شهید از گفتار و کردار خود احساس شرم کرد، و با عذر خواهی عرض نمود: یا امیرالمؤمنین! من از شما شرم دارم، و نشناخته حرف هایی زده و تو را به کار گماردم.

علی علیه السلام فرمودند: من از شما شرم می کنم که تا به حال از اوضاع شما بی اطلاع مانده ام!! این بگفت و خانه آنان را موقتاً ترک کرد. (6)

این فراز از زندگی آن حضرت نشان می دهد که او تا چه میزان خود را مسئول یتیمان و فرزندان «شاهد« می دانست، ولی در عین حال در کنار محبت و انجام مسئولیت عاطفی، مسائل تربیتی و بازسازی اخلاقی آنان را نیز فراموش ننموده، و می فرمود:

«ادب الیتیم مما تؤدب منه ولدک و اضربه مما تضرب منه ولدک« (7)

: هم چنانچه فرزندان خود را تربیت می کنید، یتیمان را نیز ادب نمائید، و به طوری که در هنگام نیاز فرزندان خویش را می زنید، از یتیمان نیز غفلت نکنید (چنانچه نیاز باشد می توان متوسل تنبیه مجاز شرعی شد) تا بچه های لوس بار نیابند.

پی نوشت ها:

1. بحار الانوار ج 41 ص 29.

2. محجة البیضاء ج 4 ص 204.

3. غرر الحکم ص 344 ش 28.

4. نهج البلاغه نامه 47 ص 977.

5. لازم به توضیح است که علم امام معصوم بستگی به علم خدا دارد، و هر جا خدا نخواهد علم اشیاء و اشخاص از امام پوشیده می ماند، و عدم اطلاع علی از آن خانواده تقصیر محسوب نمی گردد .

6. بحار الانوار ج 41 ص 52.

7. وسائل الشیعه ج 15 ص 197 ح 1.

بخش سیره و عترت تبیان